

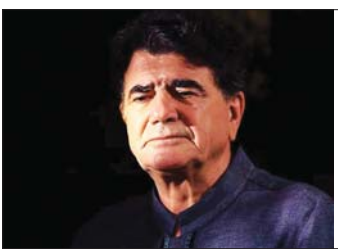
یادداشت

برای محمدرضا شجریان

کوهی استوار ورودی بیکران

حمید فرید

● میان این‌همه هجمه‌های ناباوران‌ناמידی، دلم می‌خواهد خبر لغو کنسرت استاد شجریان را بشنوم! همین که دادگاه شکنجش از صدواسیم‌ا رد کرد! دلم برای محمدرضا شجریان تنگ شده است؛ برای همین خبرهای معمولی که مثلا اجازه برگزاری کنسرت در ایران را ندارد و... صدایش در گوشم است و هزاران امید به دیدار روی چو ماهش! مگر می‌شود روزی بدون شجریان بود. مگر حذف‌شدنی است این نام بزرگ و شریف. مگر می‌شود بدون حنجره شریف شجریان موسیقی ایران را جاودان دانست. به‌جرت بگویم که هرچقدر از شجریان و هنرش بگویم باز کم گفته‌ایم. جایگاه امروز شجریان فراتر از یک خواننده موسیقی یا چیزی از این قبیل است. امروزه او با فرهنگ ما درآمیخته و گذشته از برخی تصنیف‌های مشهورش که بین مردم عادی طرفداران خودش را دارد، مناجات ربنایش بخشی از معنای ماه مبارک رمضان در سال‌های پیشین بوده است. آخر چه خاصیتی دارد از دیدهی‌ترین واقعیت موسیقی ایران‌زمین چیزی شجریانی که در آخر حضورش، در پیام تصویری بنویسی. همه این را می‌دانند. هم عالم و هم عامی. شجریان حقیقتی است در حوزه واقعیت که بر عرصه موسیقی و هنر این دیار ظهور کرده؛ شجریانی که در آخر حضورش، در پیام تصویری شادباش نوروزی‌اش را بر سبزی تراشیده و بیان همراهی دوست‌ناخوانده ۱۵ساله‌ای منتشر کرد و هنوز هم با این میهمان شوم در جلال است. آن روز غم غربی میان جانم را چنگ زد. همه افکارم آشفته بود. نه می‌دانم و نه می‌توانم از او چیزی بنویسم که حتی کمترین رنگ و نشانی از اندوه داشته باشد که او جان طرب است. شجریان جان بسیاری را به اوج کشیده است و می‌کشد و خواهد کشید. خوب دقت کنید این استمرار و حضور در گذشته و حال و آینده را این توفیق کمی نیست.



کمتر کسانی در این تنگه و گذرگاه، مجال و بخت این را دارند که رندی کنند و چنین اثری از خود به‌جا بگذارند. این نه خیال است و نه شطح؛ این جاری‌بودن در گذشته و حال و آینده است؛ یعنی فراتررفتن از حجاب زمان و مکان؛ یعنی شکافتن پرده جسم؛ یعنی عبور از همه قیدهای بشری که شانه به شانه محال می‌زند و آرزوی همه اهل هنر است. او این کار را کرده است؛ هم به یاری بخت و هم به مدد همت و عزم خود. شجریان نقد عمر را در راه رسیدن به غایت هنر خویش نهاده. ای بس و بسیار که خواسته باشد. شجریان نالی است نهاده بر لب‌های جوادانگی وابدیت. این کار جوادانگی است که آدمی قرن‌ها حیران و سراسیمه در پی‌اش دیده و اندک‌شماری بخت این را داشته‌اند که سر از این روزن بیرون و افق روشن را تماشا کنند. سلطان آواز ایران (و زنده‌نگه‌دارنده کلام آسمانی بزرگان ادب ایران) حافظ، سعدی، مولانا و...) جاودان است. محمدرضا شجریان کوهی است استوار و رودی بیکران و این استواری و بیکرانگی را حضرت حق هرگز از او دریغ نخواهد کرد. شکر عطای خالق محال است و کمتر هنرمندی از عهده آن برمی‌آید، مگر اینکه در برابر مخلوق سراپا تواضع و فروتنی داشته باشد و خور خاک پای بندگان خدا بداند و در آخر به نقل از استاد حمید عجمی نازنین: وقتی خشک چوب و خشک سیم و خشک پوست/ جز را ز دوست را نجا نمی‌کنند/ حنجره خسته تو روزنه‌ای به بهشت نیست؟/ بخوان تا یقین کنیم از ذهن آسمان فراموش نگشته‌ایم/ تو خواننده این قوم نیستی! که میزان هویت موسیقای (فاظی/ ای هرچه میزان از نوای تو مست/ آن تو خوب باش، لطفا.

خبر

بلیت نیم‌بها درروز ملی سینما

● **گروه هنر:** سخنگوی کارگروه اکران گفت: «به دلیل فرارسیدن ماه محرم، سه‌شنبه، ۲۰ شهریور، آخرین روز اکران فیلم‌های کمدی در سینماها است.» غلامرضا فرجی درباره جلسه ۱۹ شهریور این کارگروه به ایسنا گفت: «روز سه‌شنبه، ۲۰ شهریور، آخرین روز اکران فیلم‌های کمدی در تهران و شهرستان‌ها پیش از ماه محرم است و همچنین هم‌زمان با روز ملی سینما بلیت سینماهای سراسر کشور نیم‌بها خواهد بود». او افزود: «در این جلسه قرارداد فیلم «آهوی پیشونی سفید» را برای اکران در سرگروه سینمایی زندگی بعد از فیلم «هشتک» به ثبت رسید». فرجی همچنین بیان کرد: «از چهارم مهرماه فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ‌زده»، «جاده قدیم»، «ماهورا»، «سوفی و دیوانه» و «هشتک» به‌ترتیب در گروه‌های آزادی، ایران، استقلال، کوروش و زندگی اکران خواهند شد.

کیانا آذر، علی‌اکبر جهانگردقصری که این روزها نمایشگاه نقاشی‌هایش در «گالری ساریان» پریاست، متولد نیمه دهه ۵۰ در قصرشیرین و دارای مدرک دکترای تاریخ است. درباره کارهایش که پرسیدم، گفت: «نمی‌توانم بگویم ایده این نمایشگاه به‌یکباره شکل گرفت؛ از تجربه‌ام در دوران کودکی تا لمس شرایط اجتماعی تا بی‌تابی‌ای که همیشه نسبت به رفتن دارم، اینکه تمایلی به اسکان ندارم و دائما در سفر هستم، شاید همه اینها باشد. عدم تمایل به اسکان را بیشتر به این دلیل می‌گویم که چندان جایی را مهیای زیستن نمی‌دانم. انکار جایی احساس خانه‌بودن را برام نداعی نمی‌کند. این عوامل متعددی دارد؛ در مقطعی منوجه شدم باید تکه‌های مختلف پازل را کنار هم بگذارم و منوجه آنچه که نیست بشوم.» همه اینها باعث شد سؤالاتم را با او درمیان بگذارم.

❧ **اساسا فکر می‌کنید خانه‌ای وجود ندارد یا خانه‌ای هست. اما همواره باید رفت و به دنبال آن گشت؟**
وقتی چیزی را تجربه نکرده‌ایم، اما با مفهومش در یک تفکر بشری، ساختار اجتماعی و خیلی‌امور دیگر مواجه می‌شویم، طبعاً برابرام مهم می‌شود. من خانه را تجربه نکرده‌ام. البته باید روشن شود که خانه چیست، اما به‌رحال زیاد از آن می‌شنویم و هویت، ارتباطات و چستی‌مان را شکل می‌دهد. برای من خیلی سخت است که جایی قرار بگیرم و به رفتن فکر نکنم! فکر می‌کنم همه اینها تجربه‌های شخصی نیست؛ بلکه به پیشینه تاریخی و تجربه و ربط دارد. اولین تجربه من جایی بوده که به‌عنوان یک کودک با دنیای اطراف ارتباط برقرار می‌کرده‌ام، بعد به‌یکباره حدودی که دنیای من بوده می‌شکند و بزرگ‌تر می‌شود و همه جهان من در بدو شکل‌گیری متلاشی می‌شود. به مرور وارد فضاهای دیگری که می‌شوم به سختی به آنها احساس تعلق می‌کنم. فکر می‌کنم می‌شود به جایی که فروپاشیده بازگشت، اما درواقع نمی‌شود و وقتی برمی‌گدی انکار هیچ‌وقت آنجا چیزی نبوده.

❧ **به تعبیری هویت دوباره بازسازی نمی‌شود؟**
بله. حتی من فکر می‌کنم وقتی یک خانه نیاز به بازسازی پیدا می‌کند، به نظرم می‌رسد این کار از حدود زیست انسان خارج است. زیرا خانه فقط یک چهاردیواری نیست که فرد بتواند ترمیمش کند. این همان بخشی است که می‌گویم به‌نظم ماجرا تاریخی‌تر است و سازوکار این ویرانی‌ها چیزی فراتر از جنگ است. فقط در جنگ به اوج خودش می‌رسد و به عیان خودش را نشان می‌دهد.

❧ **کاروری این مجموعه از چه زمانی آغاز شد؟**
ابتدا جذب فضاهای فرسوده‌شده، خانه‌های قدیمی

گروه هنر: مراسم نخستین دوره جایزه آکادمی سینماسینما عصر روز یکشنبه، ۱۸ شهریور، در هتل انقلاب برگزار شد. کیانوش عیاری، رئیس آکادمی سینماسینما، در ابتدای این مراسم ضمن خوشامدگویی به حضار درباره برگزاری این رویداد هنری گفت: «شوق باعث برانگیختگی انسان تنهایی می‌تواند باشد که به جمعی که در اینجا جمع شده است ختم شود. منظور آقای کثیریان است که دست‌تنها این حرکت فرهنگی را انجام دادند و هدفشان هم این است که شوق جاودانه‌شان را نشان دهند و همه شما ایشان را می‌شناسید و می‌دانید که چه عشقی به سینما دارند».

در ادامه کیوان کثیریان، دبیر آکادمی، ضمن قدردانی از حضار گفت: «قد سخرانی نداریم و سعی کردیم مراسمی کوتاه و مفیدی را ترتیب دهیم تا برای چند روز هم که شده به یادتان بماند. این آکادمی با لطف شما و اعضای آن که در این مراسم در خدمت‌شان هستیم آغاز به کار کرده است. سعی کردیم در مرحله اول ۶۰ نفر از اهالی سینما در تخصص‌های مختلف را به‌عنوان اعضای اولیه آکادمی داشته باشیم و رای‌های آنها را درباره اکران هر سال جمع‌آوری کرده و اعلام کنیم.» او ادامه داد: «امیدوارم این حرکت که خصوصی است اتفاق خوبی در سینما و باعث رونق آن شود. کسانی که من و آقای علایی را می‌شناسند می‌دانند که هر رأیی که به دستمان می‌رسد مانند ناموس‌مان از آن مراقبت می‌کنیم. زیرا که می‌دانیم شفافیت در سایه امانتداری است.» کثیریان با اشاره به نقش فعالان حوزه رسانه در انتخاب چهره مؤثر سینمای ایران، توضیح داد: «از ۱۷۰ نفر از هنرکاران و اهالی رسانه ممنونم که در نظرخواهی بزرگ مؤثرترین چهره سال سینمای ایران در سال ۹۶ شرکت کردند. این روند را هر سال خواهیم داشت.» در بخش دیگر این مراسم و پس از آشنایی حضار با اعضای آکادمی، نوبت به اهدای جوایز رسید. احترام برومند و حمیدیه گرگین برای اهدای جایزه بهترین فیلم کوتاه نخستین دوره آکادمی روی صحنه حضور پیدا کردند و تندیس مهرگیاه بهترین فیلم کوتاه سینمای ایران در سال ۹۶ به‌همین و بهرام ارگ برای فیلم کوتاه «حیوان» اهدا شد. سپس رویا تیموریان و مسعود رایگان برای اهدای تندیس روی صحنه حضور پیدا کرده و سپس کلیبی از رخشان بنی‌اعتماد پخش شد تا نام برگزیده این بخش را اعلام کند. فیلم «در جست‌وجوی فریده» به کارگردانی کورش عطایی و آزاده موسوی به‌عنوان بهترین فیلم مستند تندیس مهرگیاه آکادمی سینماسینما، در دریافت تندیس، در ادامه محمد موسسلانی و حسین محجوب برای اهدای جایزه بهترین فیلم‌ساز اول به اصغر یوسفی نژاد برای پیدا کردند. دیپلم افتخار بهترین فیلم‌ساز اول به اصغر یوسفی نژاد برای فیلم «آئو» (خانه) تعلق گرفت.

یوسفی‌نژاد سپس درباره این جایزه گفت: «دوست دارم که سریع‌تر یک فیلم دیگر کار کنم. راز عنوان فیلم اولی اصلاً به من نمی‌آید، کیانوش عیاری عشق من است و بسیار از برگزارکنندگان این آکادمی قدردان هستم.» معرفی برگزیده بهترین فیلم‌ساز اول سینمای ایران در سال ۹۶ توسط محمد حقیقت در کلیبی انجام شد و احسان بیگرلی برای فیلم «برادرم خسرو» تندیس مهرگیاه آکادمی سینماسینما را دریافت کرد و در سخنانی گفت: «شوکه شدم و انتظار نداشتم. تمام نامزدها بهترین هستند، البته به‌نظم بهترین در هنر معنی ندارد. همین که ما را لایق دانستید بسیار ممنونم. از کیوان کثیریان و علی علایی، از ۶۰ عضو آکادمی که از فرهنگشان سینما هستند، از سعید ملکان و

هنر

گفت‌وگو با علی‌اکبر جهانگرد به مناسبت برپایی نمایشگاه «خانه اگر هست...» در گالری «ساریان»

من خانه را تجربه نکرده‌ام



که رها شده‌اند؛ خانه‌هایی در شیراز، یزد و شهرهای دیگر. از آنها بازدید می‌کردم. کم‌کم از این فرسودگی‌ها، پوسیدگی‌ها، لکه‌لکه‌شدن و کثیفی دیوار خیابان‌ها در شهر و فرورختگی که حاصل گذر زمان هستند شروع کردم به کارکردن. در سال ۱۳۹۴ متوجه شدم که در حال تکمیل تکه‌های یک پازل هستم. آرام‌آرام فضای خانه‌های قدیمی کمرنگ شد و یک فرم پویاتر و البته در حال فروریختن در کارهایم شکل گرفت. کارکردن روی این مجموعه هنوز هم ادامه دارد. خیلی‌ها برحسب شناختی که از من دارند این کارها را به تجربیات کودکی‌ام نسبت می‌دهند، اما حس می‌کنم تنها بخشی از آن تجربه بر این تابلوها اثرگذار بوده، تجربه اجتماعی و تاریخی بی‌شک نقش خودشان را داشته‌اند؛ برای مثال نمی‌دانم چقدر شعر «خانه‌ام آتش گرفته ست، آتشی جان‌سوز» اخوان‌ثالث روی من تأثیر داشته است، البته یاد می‌آید چپار، پنج تابلو در این کار شکل گرفته بود که یادم آمد چقدر این شعر به فضای کار من نزدیک است، حالا با تجربه متفاوت شاعر به نسبت تاریخ ما.

تصور این است که همه ما این شرایط را تجربه کرده‌ایم. گاهی محافظه‌کارانه از آن رد می‌شویم و گاهی درگیر آن می‌شویم و ما را در خود فرو می‌برد. ❧ **در استیمننت نمایشگاه بر نسبت فرد با خانه تاکید شد. اما چرا در تابلوها آدم‌ها حضور ندارند؟**
مهاجرت بخشی از این ماجراست. به نظر می‌رسد ناظری ایستاده و در حال نگاه‌کردن است. شاید هویایمی‌امی که در دو نمونه از کارها می‌بینم؛ کنایه‌ای از همین مهاجرت باشد. دوست داشتم بیشتر هم باشد. اما فرم کار آسیب می‌دید. حس می‌کنم نمی‌توانم انسان را به‌عنوان یک دیگری در ماجرا دخالت دهم؛ در واقع

نمی‌کنم نقدی که پسمادرن‌ها به زیبایی‌شناسی مدرن داشتند، بتواند باعث شود به‌طور کل زیبایی‌شناسی مدرن نادیده گرفته شود و آن را کنار بگذاریم؛ زیرا اگر بخواهیم پس از این قائل به این نقد باشیم، جز با یک نسبی‌گرایی افراطی مواجه نیستیم و دیگر معیاری باقی نمی‌ماند. بیشترین نکته در نقد زیبایی‌شناسی مدرن، این بود که چرا عده زیادی را زیر چتر خودش قرار نمی‌دهد؟ چرا به سایر ملل توجهی ندارد؟ چرا مرکز توجه اروپاست؟ اینجا این سؤال برای من مطرح می‌شود که خب اگر قرار باشد زیبایی‌شناسی مدرن را به حاشیه برانیم و از رعایت اصول و فرم دست برداریم، پس اصلاً برای چه وجود دارند؟ برای هنرمند را باید معرفی کنیم؟

❧ **اگر درست فهمیده باشم، مسئله شما «مبدای نقاشی» است. می‌گویند اگر قرار است به این قواعد پایبند نباشیم، چرا مثلا سراغ اینستالیشن به جای نقاشی نرویم و باید به اصول هر مدیا قائل باشیم؟**

نمی‌خواهم یک تعریف مشخص برای نقاشی قائل شوم. می‌گویم اکثر نقدها به اصول و فرم در انتها به یک نسبی‌گرایی می‌رسند که من نمی‌توانم تفاوت و تمایزی بین امور در آنها قائل شوم.

❧ **درباره نزدیکی رویکرد نقاشانه شما با نقاشی‌های قبل از دوره رمانتیسیسم، مثلا «باروک» چطور؟**

تبرگی‌ها در کارها و بازی رنگ‌های روشن در کنار آنها، شاید نوعی رفتارهای باروک‌گونه باشند؛ ولی بیش از آن شاید رمانتیسیسم برای من موج‌در و پررنگ‌تر است. به‌نظم بازنمایی اتفاق مهمی است. زمانی اینستالیشن روی‌کار آمد و با واقعیت امر در فضا روبه‌رو شدیم، اما به‌نظم واقعیت همیشه ناکافی است. نقاشی به واسطه اینکه از واقعیت فراتر می‌رود و بازنمایی می‌کند، درجه دنیای تخیل را باز می‌کشد و اینجا بود که ضرورت طرح بازنمایی در نقاشی برابم مطرح شد. جایی می‌خواندم نیچه چیزی می‌گوید با این مضمون که «واقعیت کافی نیست و هنر، ما را از بار سنگین واقعیت نجات می‌دهد».

❧ **در چیدمان نمایشگاه در تابلوی پایانی، خانه تقریباً سوخته و آتش در حال فروپاشی‌کردن است، جدای این سوخته چرا اثرگذار و متفاوتی نسبت به بقیه آثار ایجاد کرده، انکار دوره بعدی کارهای شما را نیز معرفی و روایت جدیدی ایجاد می‌کند؟**

می‌توانم بگویم تعدادی کار شکل گرفته‌که فضایشان پس از این وقایع را نشان می‌دهد و خبری از این جوش‌وخروش در آنها نیست. شاید انکار دوره‌ای از این رخداد گذشته و با خاکستر و بقایای اینها مواجه هستیم. هنوز برای خودم هم ملموس نیست و باید آن مربوط به زیبایی‌شناسی پسمادرن است. راستش فکر

رضا عطاران مؤثر ترین چهره سینمای ایران در سال ۹۶ شد

بسازد، با من مشورت کرد و من مخالفتی با او داشتم. در زمینه پرداخت داستان موافقت شد و نشستیم و با هم صحبت و همفکری کردیم و دیدم یک روز او ساعت هفت صبح در خانه ما را می‌زند و چند بار این کار را کرد و یک بار به او گفتم که من صبح‌کار نیستم و باید شب‌ها کار کنیم.» او ادامه داد: «سینمای او برای من خیلی قابل احترام است. با من تماس گرفته و گفته بود که فیلم «کوه» را ساختم؛ برو و ببین که به او گفتم من خیلی سینما نمی‌روم ولی بگو که بایند به من بگویند تا ببینم اما هنوز کسی سراغ من نیامده است».

در ادامه پوری بنایی و رضا کیانیان برای اهدای تندیس روی صحنه حضور پیدا کردند. تندیس به لیلیا حاتمی برای فیلم «رگ خواب» اهدا شد و حمید نعمت‌الله به نمایندگی او روی صحنه پیام او را برای حضار خواند. رویا نونهالی برای اهدای جایزه روی صحنه رفت و تندیس مهرگیاه را به نوید محمدراده برای فیلم «بدون تاریخ بدون امضا» داد. محمدراده نیز گفت: «اسامی‌ای که در این آکادمی هستند در حوزه خود طراز اول هستند و از وحید جلیلودن ممنونم. زیرا که این هفتمین جایزه‌ای است که برای این نقش می‌گیرم». کمال تبریزی و فرید مصطفوی تندیس بهترین فیلم‌نامه‌نویس سینمای ایران در سال ۹۶ -رابه وحید جلیلودن و علی زرنکار برای «بدون تاریخ بدون امضا» اهدا کردند. جلیلودن سپس ضمن قدردانی از برگزارکنندگان آکادمی

گفت: «این جایزه و تمامی جوایز این فیلم را به استاد مسلم خودم و استاد داستان و نمایش‌نویسی، داوود کیانیان، اهدا می‌کنم که بی‌هیچ دلیل اقتصاد سینما و جلب نظر مخاطبان داشته است» به‌عنوان چهره تأثیرگذار سینمای ایران در سال ۹۶ انتخاب شد و ضمن قدردانی از رای‌دهندگان خطاب به سیروس لوند گفت: «من تا پیش از سخن شما احساس می‌کردم که آدم در آینه چهره خودش را می‌بیند و پس از سخن شما تازه فهمیدم که همه چهره من را در سینما می‌بینند. سعی می‌کنم که دیگر این‌طور نباشد». سپس کلیبی از عبدالرضا کاهانی پخش شد که درباره عطاران و جایگاهی که در سینمای ایران دارد سخن گفت. در ادامه این مراسم سیروس لوند و سیامک شایقی برای اهدای این جایزه روی صحنه حاضر شدند و با اعلام امیر نادری در کلیبی، تندیس مهرگیاه بهترین کارگردان به حمید نعمت‌الله برای فیلم «رگ خواب» تعلق گرفت. نعمت‌الله از امیر نادری، سیروس لوند، کیانوش عیاری، کیوان کثیریان و علی علایی قدردانی کرد و گفت: «از امیر نادری بزرگ خیلی قدردان هستم. او پس از فیلم «ووند» گفت پنج نفر با ددین این رسید». فیلم‌ساز می‌شوند و من یکی از آن پنج نفر هستم.» در بخش پایانی این مراسم از کیانوش عیاری، هوشنگ گلمکانی و علیرضا شجاع‌نوری دعوت شد تا دیپلم افتخار بهترین فیلم را به علی جلیلودن برای فیلم «بدون تاریخ بدون امضا» اهدا کنند. همچنین تندیس مهرگیاه بهترین فیلم سینمای ایران در سال ۹۶ از سوی آکادمی سینماسینما به حمید نعمت‌الله برای فیلم «رگ خواب» تعلق گرفت.



زیر درختان زیتون

مریم کاظمی و سعید اسدی بازداشت شدند

● **گروه هنر:** در پی حکم قضائی مبنی بر توقیف نمایش «روای شب تابستان» به کارگردانی مریم کاظمی، کارگردان این نمایش و سعید اسدی، مدیر تئاتر شهر، بازداشت شدند. شهرام کرمی، مدیرکل هنرهای نمایشی، ضمن تأیید خبر بازداشت مریم کاظمی، کارگردان نمایش «روای شب تابستان» و سعید اسدی، مدیر تئاتر شهر، بیان کرد: «با احضار خانم مریم کاظمی (کارگردان) و دکتر سعید اسدی (مدیر تئاتر شهر) به دلیل مشکلی که نسبت به تیزر نمایش «روای شب تابستان» پیش آمده بود، روند رسیدگی به ماجرا تا پایان وقت اداری روز یکشنبه، ۱۸ شهریور، طول کشید و متعجب به بازداشت موقت آنها شد. او افزود: «با وجود پیگیری‌های زیادی که صورت گرفت، به‌دلیل اینکه وقت اداری به پایان



رسیده بود، نتوانستیم اقدامی انجام دهیم و این اتفاق ناخوشایندی است که رخ داده، چراکه مشکل پیش‌آمده بدون اینکه نمایش دچار مشکل محتوایی باشد، اتفاق افتاده و متأسفانه تیزر نمایش مونتاژی از چند تصویر مختلف بوده که شبیه ایجاد کرده است.» او تاکید کرد: «این اتفاق سبب شد از این پس توجه جدی به فضای مجازی شود و البته دستگاه قضائی هم وظایفی دارد و ما هم ملزم به تمکین از قانون هستیم». کرمی اضافه کرد: «به‌عنوان مدیرکل هنرهای نمایشی در صورت احضار، به دادگاه می‌روم، چراکه مسئولیت صدور مجوزها برعهده من است و بابت هر اتفاق تئاتری باید پاسخ‌گو باشم که حتماً خود را ملزم به این کار می‌دانم. امیدوارم این اتفاق هر چه سریع‌تر به پایان برسد».

تنها آرزویم افتتاح موزه «ایران درودی» است

● **گروه هنر:** مراسم رونمایی بیست‌ویکمین چاپ کتاب «در فاصله دو نقطه» و کتاب «گفت‌وگو با ایران درودی» در مشهد برپا شد. این هنرمند گفت: «ولم‌لایتنی، به ۸۲ سال پیش در کوجه کنسولگری که حالا بیمارستان دکتر شاهین‌فر و سپس دانشگاه شد، به دنیا آمدم. اسم من را «ایران» گذاشتند و من در تمام عمرم سعی کردم لیاقت این اسم را داشته باشم. ۳۳ سال داشتم که در تمام مطبوعات مهم دنیا، اثر «فت» من به چاپ رسید. هر‌زمان با آن یک منتقد به نام «آنتونیو رودریگز» نوشت «یکی از چهار نقاش بزرگ دنیا» و من افتخار می‌کنم که در بین عنوان چهار نقاش بزرگ دنیا، نام «ایران» حضور دارد.» درودی افزود: «سعی می‌کنم لیاقت اسم ایران را داشته باشم؛ خوشبختانه تاجایی که توانستم، با روش‌های مختلف و به‌ویژه با کتاب «در فاصله دو نقطه» که امروز چاپ بیست‌ویکم آن است، این یعنی مردم کتاب را خوانده‌اند که ۲۱ دفعه به چاپ رسیده؛ یعنی من بین مردم کشورم رو پیدا کرده‌ام.»

او تشریح کرد: «در کتاب «در فاصله دو نقطه» هر آنچه گفتم، واقعیت محض است. اگر هم چیزی را نوشته‌ام، صلاحم بوده است؛ مثلاً یکی از چیزهایی که نوشته‌ام، این است که «من سرطان گرفته‌ام» و تا امروز ۳۳ دفعه جراحی شده‌ام.» او افزود: «انگیزه و هدف دارم و این هدف، هم باعث طول عمرم و هم باعث توانایی‌هایم شده است. من هفدهم «شهرت» نیست؛ بلکه این است که یک روز ملت ایران بگوید: «یک زن، در کشور مردسالار موفق شد، خیلی هم خوب موفق شد». این منتقد هنر افزود: «هزاران بدویبره به من گفتند، هزاران حرف مستحجن شنیدم؛ اما به هیچ‌کدام انگیزم نکردم و راه خودم را رفتم. همیشه گفته‌ام، من به‌عنوان یک زن «اگر دو برابر یک مرد نباشم، حتماً کمتر نیستم».

امیدوارم که نسل جوان زنان مملکت ما، از نظر اجتماعی، جایگاه خود را به دست آور.» ایران درودی اظهار کرد: «این موزه فقط برای من و آثار من نخواهد بود، من فقط یک آرزو دارم و آن هم این است که با افتتاح این موزه زنده باشم؛ نه برای اینکه یک مرکز فرهنگی باشد؛ بلکه برای تبادل فرهنگی که هنرمندان کشور بتوانند به کشورهای دیگر بروند و هنرمندان سایر کشورها به ایران بیایند».

این بانوی نقاش ایرانی خاطرنشان کرد: «نقشه موزه را آقای درویش طراحی کردند و شهرداری و شورای شهر تهران تصویب کرد؛ ولی هنوز دوسال هشت ماه است که این مبلغ هدیه نکرده‌ام.» نویسنده کتاب «در فاصله دو نقطه» ابراز کرد: «همیشه به این فکر می‌کردم که چگونه و با چه حرفه‌ای در زندگی می‌توانم به‌عنوان یک فرزند خلف ایران، جایی به ملت خودم خدمت کنم و اصلاً تصور نمی‌کردم روزی به‌عنوان نقاش یا نویسنده به اینجا خواهم رسید.» ایران درودی خاطرنشان کرد: «از زمانی که نقاشی من در مطبوعات مطرح آمریکا چاپ شد، تصمیم گرفتم بهترین آثارم را برای ملت و وطنم نگهداری کنم. درحال‌حاضر تعداد ۱۹۵ تا از بهترین آثارم در عرض ۲۷ سال را نفروخته‌ام و نگه داشتم که به ملت ایران در این موزه هدیه بدهم.»